

# بِ عَمَلِ كَارِ بَرَّآئِدِ ، بِ سُنْحَدَانِي نَسِيت

بهترین وسیله تربیت ، تربیت کردن با نمونه های عملی و سرمشق زنده است . کسانیکه مرتب موعظه و نصیحت می کنند ولی دم خروس نمایانگر چیز دیگر است ، مردم حس می کنند ناصح از هوای نفس الهام می گیرد و زیر بار نصیحت نمی روند .

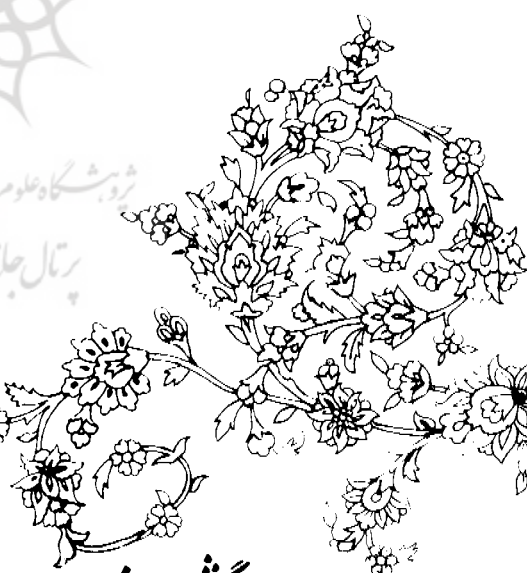
نصیحتنم چه کنی ناصحا تو میدانی

که من نه معتقد مرد عافیت جویم  
از عایشه از خلق و خوی رسول خدا (ص)  
سؤال شد ، گفت : خلقش قرآن بود ، جوابی  
دقیق ، عجیب ، مختصر و کامل یعنی پیامبر (ص)  
مصدق عملی همه دستورات خدا بود که بوسیله  
قرآن نازل شد . او سرمشق مردم در زندگی  
عملی در روی زمین بود ، او پیش از اینکه با  
کفتار خود مربی و راهنمای خلق باشد با رفتار  
شخصی خود بهترین تربیت کننده و رهبر بود  
نخست از خویش نمونه عملی دستورهای قرآن  
را نشان می داد پس از آن مردم را بدان  
دستورها می خواند .

راز حرف شنوی از امام نیز همین است که  
امت معظم له را پاسدار راستین مکتب اسلام و  
مصدق واقعی اخلاق و رفتار اسلامی می داند  
و به همین جهت مقلد اوست و مطیع .

بهترین حرفها اگر از ناحیه کسانی باشد که  
خود عمل نمی کنند ستم است و بجای ناء ثیسر

سگرف منخی



مثبت ایجاد نفرت می نماید .

از واعظ ناستغظی پند شنیدم

چون قبله نما ساختن اهل فرنگ است

انقلاب اسلامی شالوده یک تحول معنوی

است ، همانطوری که روح اخلاص در ررندگان

و همه عاشقان خدا زنده است همگان نیز باید

این چنین باشند . هنگامی که امیر مؤمنان

علی (ع) محمد فرزند ابی بکر را که جوانی

بیست و هشت ساله بود برای زمامداری کسور

مصر انتخاب کرد به وی فرمود : " نسبت به عموم

مردم ستواضع باش ، هنگام برخورد و ملاقات

همیشه کشاده رو باش ، باقیافه گرفته مردم را

ملاقات مکن ، ساوات را درهیه جبر ، حتی

درنگاه کردن نسبت به همه مراعات کن ، سادا

بزرگان و زورمندان طمع کنند که بجای آنها

منمایل شوی ، نکند ضعفا و نابوانان از اجرای

عدالت تو مأیوس باشند :

شنیدم که دانای مرشد شهاب

دواندرز فرمود بر روی آب

یکی آنکه بر نفس خود بیندیش

دگر آنکه بر خلق بدبین سازد

برای نمونه برخی از سخنان بزرگان اسلام

را ذکر می کنیم :

شما خواننده عزیز مقایسه کنید با بعضی

از رفتارها و حرکات و زستنیهای خاصی که با

روح اسلام منطبق نیست !

روزی رسول اکرم (ص) در مجلسی نشست

بود و صاحب دور او بودند . یکی از مسلمانان که

مردی فقیر بود وارد شد . طبق سنت اسلامی

هرکسی در هر مقامی هست وقتی وارد مجلسی

شد باید هر کجا جای حالی هست بنشیند . آن مرد

کنار مرد ثروتمندی که جای حالی بود نشست

مرد ثروتمند ندی خود را جمع کرد و خود را

کنار کشید ، پیامبر (ص) ستوجه رفتار او بود به

مرد ثروتمند فرمود :

ترسیدی چیزی از فقر او به تو بچسبد؟!!

پاسخ داد نه یا رسول الله ، پیامبر فرمود

ترسیدی که چیزی از ثروت تو با او به ارث برسد؟

پاسخ داد : نه یا رسول الله ، پیامبر (ص)

پرسید : ترسیدی که لباسهات کثیف شود؟

پاسخ داد : نه یا رسول الله ، پیامبر فرمود

بس چرا خودت را کنار کشیدی؟ آن مرد گفت

اشتباه کردم و برای جبران آن حاضر منصف

دارائیم را به این مسلمان بدهم ، مرد فقیر گفت

ولی من حاضر نیستم قبول کنم ، حصار گفتند :

چرا ؟ پاسخ گفت : سترسم زمانی مراهم غرور

نکرد و با یک برادر مسلمان رفتاری کنم که

امروز این شخص با من کرد .

فروتنی است سرانجام کار اهل کمال

سوار چونکه به منزل رسد پیاده شود

بعضی از ما کجای کاریم ! ، چرا خواستد و سوا

ناخواستند مردم را از خود بری می سازیم؟! در

حالی که بیشوایان ما همیشه سعی در جلب

اعتماد مردم دارند . دریکی از جنگهای اسلامی

حضرت علی (ع) با مرد شرکی در حال مبارزه

بود آن مرد عرض کرد یا علی نشسیرت را به

من بخش ، آن حضرت شمشیر را به وی داد

حریف نبرد عرض کرد از توای پیر ابیطالب

در شکتم که در چنین موقعی شمشیرت را به

دشمن می دهی ، فرمود تو دست تقاضا دراز

کردی ورد کردن سئوال از شیوه اهل کسرم دور

است ، مرد کافر از اسب پیاده شد و گفت : هُذِهِ

سِرَّةُ أَهْلِ الدِّينِ ( این است راه و روش اهل

دین ) و پای سارک حضرتش (ع) را بوسید

ایمان آورد و مسلمان شد .

علی وار ریدکی کردن بد حرف است با بد

عمل !!!



لفظها و نامها چون دامپاست

لفظ شیرین ریگ آب عمرماست

راه تداوم انقلاب پیاده شدن احکام واقعی

اسلام و عدالت خواهی و ایثار گری و مبارزه شدید باهمه‌ی خلافتها و مفاسد است ، بفرموده امام امت : اگر انسان این (من) را بر پا گذاشت و (او) شد همه چیز را اصلاح می کند .

گیرم که هزار مصحف از برداری

با خود چه کنی که نفس کافر داری

از بهر نماز مینهی سر به زمیں

آترا به زمیں بنه که در سرداری

مسلمانی روی سینه ابوجهل نشست ، او گفت

از این پائین کردنم را قطع کن ، گفت چرا؟ مگر

چه فرقی می کند بالا یا پائین؟ گفت : برای

اینکه وقتی سرم را سر نیزه کنند از همه بلندتر

باشد و همه بفهمند این سر مال ابوجهل است

این احساس کم و زیاد در بسیاری از ما وجود

دارد . منتهی گاه بقدری ظریف و باندازه ای

لطیف است که با پرده هائی از تاءویل ها و

تفسیرهای دیگر می آید و انسان خودش متوجه

نمی شود ، این جمله از او بانیشادها است :

"در بیرون خبری نیست ، هر که به بیرون چشم

بدوزد در انتظار خواهد ماند و خواهد مرد

به خود باز کرد در آنجا همه چیز خواهی یافت

امام باقر (ع) فرمود : حضرت علی (ع) در

رمان خلافتش با غلام خود قنبر به بازار کوفه

رفت و به فروشنده فرمود : دو پیراهن سی -

خواهم ، فروشنده عرض کرد : دارم یا

امیرالمومنین ، حضرت حرکت کرد تا از مغازه

خارج شود ، صاحب دکان گفت : عرض کردم

موجود است ، فرمود : چون تو مرا شناختی از

تو نمیخرم . رفتند به دکان دیگری ، جوانکی

پشت دخل نشسته بود و صاحب دکان نبود

حضرت فرمود : دو پیراهن میخواهم یکی به سه

درهم و دیگری به دودرهم ، جوان گفت دارم

یا اخالعرب ، پیراهنی را آورد ، حضرت پول را

داد و پیراهن سه درهمی را به قنبر مرحمت

فرمود ، عرض کرد مولای من : شایسته تر آنستکه

شما لباس سه درهمی را بیوشی زیرا مغنبر میروی

و با مردم سخن میگوئی ، لباس سه درهمی بر

قامت زیبای تو زیباتر جلوه می کند ، حضرت

فرمود : توجوانی و جوانی شکوهمندی لباس

میطلبید ، به علاوه من از خدای خود حیا می کنم

که لباسم از تو بهتر باشد زیرا از رسول

اکرم (ص) شنیدم که درباره غلامان سفارش

میفرمود که به آنان لباسی را بیوشانید که خود

می پوشید و همان غذا را بخورانید که خود می -

خورید : "أَطْعَمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ وَالْيَسُوهُمْ مِمَّا

تَلْبَسُونَ ."

مناسفانه هستند کسانی که حرف حق

می زنند و عمل بناحق می کنند ، طرفدار ضعیف

هستند ولی کردارشان باعث نابودی ضعیفاء است

کرک هستند در لباس چوپان .

راه هموار است و زیرش دامپها

قحطی معنا میان نامپها

این لاف و کزاف خنده گرفت ، حیوانکرا خواست و گفت : تو را توان آنستکه خیمه و خرگاه مرا به دریا افکنی؟ کنجشک بینوا جواب داد: نه ، سلیمان گفت پس چرا لاف میزنی و کزاف می‌گوئی ، گفت ای پیامبر خدا خودت بهتر می دانی که بر عاشق دلباخته هر چه بگوید و لاف بزند حرجی نیست وانگهی اگر مرد پهلوان زن خود نباشد در کدام زورخانه می‌تواند کبابه بکشد؟ سلیمان از این حاضر جوابی خوشش آمد و کنجشک ماده را خواست و گفت : تو چرا به وصل عاشق دلباخته تن نمی‌دهی؟ گفت : همسرم عاشق من نیست و دروغ می‌گوید ، سلیمان پرسید دلیلت چیست؟ ماده گفت : اگر براستی عاشق من بود دلش را پیش دیگری به گرو نمی‌گذاشت زیرا خدا برای کسی دو قلب نمی‌گذارد تا بتواند به



دو چیز مهر بورزد ، در این حالت سلیمان تکانی خورد و به گریه افتاد و مدت چهل روز از خدا خواست که : بارالها قلب مرا از محبت غیر خودت خالی کن"

هر دیده که عاشق است خوابش مدهید

هر دل که در آتش است آبش مدهید

زیرا همه چیز آنجا است ، بیرون ظلمات است از این چشمه ها جز رنج نمی‌جوشد"

از درون خویش این آوازه‌ها

سنع کی ناکشف کرد درازها

ذکر حق کی بانگ غولان را بسوز

چشم ترکس را از این کرکس بدوز

صبح صادق را ز کاذب و اشناس

رنک می‌را و اشناس از رنک کاس

تابیننی رنک جز این رنکها

کوهراں بیننی بجای سنگها

آیا باشعار تنها جامعه‌ای اصلاح خواهد

شد؟! آیا تشکی رانوشش آب ، تلفظ آب

تصور آب برطرف می‌کند یا خود آب؟ پر

واضح است که آب عینی و خارجی نه ذهنی

تشکی را رفع می‌کند :

" كُوْنُوْ اِدْعَاةُ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ"

مردم را با غیر زبان‌تان به طرف خدا دعوت

کنید یعنی باعمل و کردار : راست بگوئیم و با

صداقت عمل کنیم ، نه‌رو می‌گفت : درسی‌که

از رهبر هند یعنی گاندی گرفتم این است که :

سیاستی که سببی بر راستی نباشد سرانجام

شمی به بار نمی‌آورد ، موقتا " شاید نتیجه‌ای

بدهد ولی برای همیشه هرگز .!

درکشکول شیخ بهائی آمده است که : حضرت

سلیمان (ع) روزی دوکنجشک را دید که با هم

مشاجره می‌کنند چون زبان پرنندگان رامی -

دانست کوش داد و شنید که کنجشک نر از ماده

طلب وصل می‌کند و آن یک از مواصلت ابناء

می‌نماید و کار بجائی رسید که نر می‌گوید :

چگونه خودت را در اختیار من نمی‌گذاری کوبا

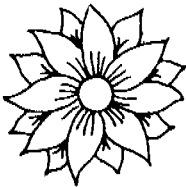
از قدرت من بی‌خبری ، همین مقدار بدان اگر

اراده کنم قبه و خرگاه سلیمان را با نوک منقار

خود کنده و به دریا می‌افکنم ، سلیمان را از

عضو جاویدانها می کنند و بر کرسی آکادمی  
سی نشاند که روی آن می توان  
خوابید ولی نمی توان نشست!! خوشایه حال  
کسانی که خویشی را از آلودگیهای ذهنی  
رهانیده و جز به خدا به چیز دیگر نمی اندیشند  
و برای تحقق ارزشهای والای الهی مشی و منس  
انقلابی دارند و زبان مردمی .  
داد درویشی از ره تمهید

سرقلیان خویش را به مرید  
گفت از دوزخ ای نکو کردگار  
قدری آتش بروی آن بگذار  
بگرفت و ببرد و بار آورد  
عقد کوه ز درج راز آورد  
گفت در دوزخ آنچه کردیدم  
درکات جحیم را دیدم  
آتش از هیزم و ذغال نبود  
اختری بهر اشتعال نبود  
هیچکس آتشی نمی فروخت  
ز آتش خویش هر کسی می سوخت



دل از برمن رسید از بهر خدای  
گر آید و درزند جوابش مدهید  
بمضامین سخنان حضرت علی (ع) می بایست  
توجه بیشتری شود و سعی کافی بعمل آید  
تا در عمل پیرو آن بزرگوار باشیم: " بهترین و  
باعظمت ترین اوقات خود را بوظائف خویش  
به خدا اختصاص داده تا کمتر به غیر او تعلق  
خاطری پیدا شود، گرچه هرگاه نیت انسان  
درست باشد و باعث اصلاح کار مردم شود تمام  
اوقات به خدا مخصوص خواهد بود، هر وقتیکه  
بانیت خیر در راه آسایش خلق قدمی برداشته  
شود اختصاص به او دارد و عبادت محسوب  
می گردد.

خدا کند از کسانی نباشیم که عدالت را فدای  
مصلحت کنیم و یادمان باشد در حالیکه همه  
کارها بدست عامه مردم صورت می گیرد آنها را  
در عمل فراموش نکنیم و از جمله کسانی نباشیم  
که از گناه دیگران ترسناک و از عاقبت گناه  
خویش غافل باشیم. الکسیس پیرون در مورد  
تشریفات تعبیری دارد، او می گوید: در فرانسه  
وسیله مطلوبی را می شناسند تا بدان وسیله  
جلوی نویسنده پرکاری را بگیرند، او را بیدرتک

فردمندترین مردم کسی است که بیشتر با مردم سازگاری سازنده داشته باشد

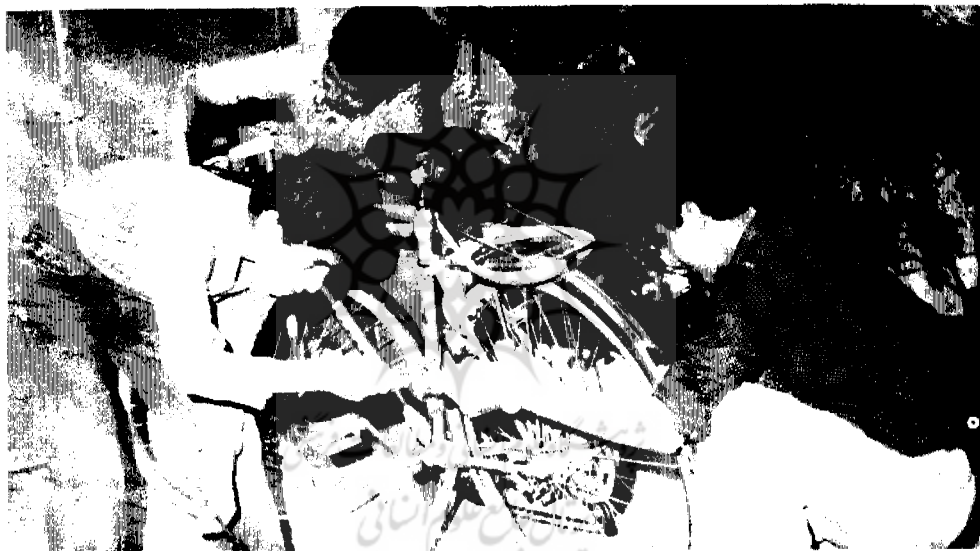
و با احتیاط ترین آنان کسی است که هر چه دیرتر چشم آید



کارگاهها ، کارخانه ها ، مزارع و سایر موسسات فراهم نمایند، درانتخاب شغل و حرفه آینده دانش آموزان کمک مفید و موثری خواهند کرد . این برنامه ریزی باید به نحوی انجام شود که برای همه دانش آموزان اعم از تجدیدی و قبولی امکان رفتن به مراکز اشتغال را فراهم کند و از طرف دیگر مشاوران حرفه‌ای و تحصیلی به کمک استادکاران ماهر باید در مورد اشتغال دانش آموزان ، نظارت نموده تا بتوانند در مورد استعداد، کرایش و بالاخره رشته تحصیلی و انتخاب شغل برای آینده دانش آموزان اظهار

### تعطیلات تابستانی و انتخاب شغل

یکی از موقعیتهای بسیار مفید جهت انتخاب شغل و رشته تحصیلی همین تعطیلات تابستانی است . دانش آموزان در تعطیلات تابستانی به علت فراغتی که از تحصیل دارند می‌توانند به فعالیتهای مختلف بپردازند و به عبارت دیگر با این فعالیتهای خود را سرگرم سازند . بعضی از دانش آموزان در تعطیلات



نظر و راهنمایی نمایند .

والدین مسئول و آگاه هم باید برکارفرزندان خود نظارت کرده و آنها را درانتخاب شغل و حرفه آینده فرزندان یاری نمایند .



تابستانی به حرفه‌ای مشغول می شوند و با اشتغال تابستانی کرایش و استعدادهای خود را نسبت به مشاغل کوناگون می‌آزمایند . مناسبانه اشتغال به کار در تعطیلات تابستانی به علل مختلف برای همه دانش آموزان مقدور نیست .

اگر درتمام نقاط مملکت انجمن های اولیاء و مربیان یا مسئولان طرح کاد طوری برنامه ریزی کنند تا موجبات هدایت دانش آموزان را به